

# گزارشی از وضعیت کارگران آجریز

## اعتصاب کارگران کوره‌های آجریزی «ساروقامیش بوکان»

### مقدمه

متن پیش‌رو قبل از وقوع جنگ ۱۲ روزه تهیه و به نگارش درآمد. اما اقدام برای انتشار آن مصادف شد با وقوع جنگ که بنا به ضرورت از انتشار آن خودداری کردیم. ضرورتی که ناشی از پرداخت به مسائل دیگری در مقطع جنگ بود. نمی‌شد در بحبوحه‌ی جنگ و کشته شدن هم‌زنجیرانمان در کارخانه‌ها و شهرهای مختلف از جنگ ننویسیم. چراکه در همین دوران جنگ بود که بیش از هر زمانی این نیاز مبرم احساس شد که مبارزات سازمان‌یافته و متشکل طبقه کارگر چقدر می‌تواند از افق تیره‌وتار نابودی کل جامعه جلوگیری کند. مبارزات متشکل و سازمان‌یافته آن کمبود و نقصانی بود که در جنگ ۱۲ روزه آشکارا حس می‌شد. طبقه کارگر در این جنگ بی‌سلاح بود. هیچ‌گونه پدافندی در مختصات طبقاتی وی یافت نمی‌شد.

نوشته‌ی حاضر گزارشی از مبارزات کارگران کوره‌های آجریزی در شهر بوکان است. تجربه‌های مبارزاتی که هم باید از ضعف‌ها و هم باید از نقاط قوت درخشانش بیاموزیم و درس بگیریم. درسی در جهت قدرتمند ساختن ابزارهای مبارزاتی‌مان همچون اعتصاب و پیشروی هر چه بیشتر در اتحاد طبقاتی‌مان. با این مبارزات و قدرتمند ساختن هر چه بیشتر آن، طبقه‌ی کارگر می‌تواند گامی در راستای تشکیل‌یابی بردارد. مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگران می‌تواند و باید ضعف و فقدان‌ی که در بالا به آن اشاره شد برطرف سازد. این گزارش تلاشی است در این راستا.

\*\*\*

### «کوره‌های آجریزی منطقه ساروقامیش بوکان اعتصاب کردند.»

خبر اعتصاب کوره‌ها در میان خیل عظیم اخبار رنگارنگ جایی نداشت. چرا که دولت سرمایه‌داران خوش ندارد در میان اخبار مختلفی چون مذاکرات و ... جایی برای پرداختن به اعتصاب‌های کارگران باشد. انگار که سرنوشت همه‌ی ما باید به دست حاکمان سرمایه‌دار و دولت‌مردان رقم بخورد و کارگران فقط باید کار کنند. اما کارگران سودای دیگری در سر دارند و در عرصه‌ی مبارزه‌ی طبقاتی‌شان با سرمایه‌داران راهی جز مبارزه ندارند. این اعتصاب و مبارزات مشابه آن در تاریخ مبارزات کارگران کوره‌ها تازه نیست. هر ساله در جای‌جای ایران که کوره‌های آجریزی دایرند شاهد اعتصاب و اعتراض آن‌ها هستیم: از خائون آباد و پاکدشت گرفته تا وایقان و ساروقامیش.

ساعات کاری کارگران کوره‌ها کمتر از دوازده ساعت نیست. بلکه بیش از دوازده ساعت زیر آفتاب سوزان تابستان و گرمای هم‌زمان کوره‌ها هستند. فشار کاری این کارگران فقط به ساعت کار بیشتر از قانون کار منتهی نمی‌شود بلکه

فشاری جسمی و روانی هر روزه بر کارگر تحمیل می‌شود. جسمی فرسوده و اعصاب و روانی از هم پاشیده. کار پای کوره‌ها با همه‌ی زحمت و مشقتی که برای کارگران دارد مزدش ناچیز است.

کودکان و زنان کارگر در کوره‌ها پابه‌پای پدران و همسرانشان کار می‌کنند. کودکانی که سن‌شان به حد قانونی نرسیده در فضایی به شدت آلوده و خطرناک در حال خشت جمع کردن و کارهایی از این قبیل‌اند. محیط کاری آکنده از دود و گردوغبار که منجر به انواع بیماری‌های ریوی و گوارشی تا بیماری پوستی و انواع دردهای مفاصلی شده است. محل استراحتی که به آن «خوابگاه» می‌گویند هیچ رد و نشانی از زندگی حداقلی ندارد. آلونک‌هایی که فقط یک اتاق ساده‌اند برای خوابیدن و همین. خبری از سرویس بهداشتی و حمام و آشپزخانه هم نیست اگر هم باشد تنها اسمی از آن‌ها باقی مانده است.

در کارگاه‌های آجرپزی همه‌ی کارگران چه «قالب‌زن» باشد یا «قرمزدار» از یک چیزی رنج می‌برند و حرف می‌زنند و آن هم مسئله بیمه است. در واقع یکی از مهم‌ترین مطالبات مشترک میان کارگران آجرپز بیمه است. کارگران هرگز بیمه‌ای کامل از جانب کارفرما برای‌شان لحاظ نمی‌شود. بهانه برای ارباب<sup>۱</sup> سراسر است و مشخص است: «کارگر آجرپز تمام وقت کار نمی‌کند و کارش فصلی است». به همین خاطر در ازای چند ماه که کار می‌کنند<sup>۲</sup> نهایتاً یک یا دو ماه برایش بیمه لحاظ می‌شود. اما حقیقت چیزی بیش از این استدلال بی‌شرمانه است. بر اساس قانون کار کارفرما موظف است کارگران به خدمت گرفته‌ی خود را هر چند ماه از سال که کار می‌کنند بیمه کند. حال فصلی باشند یا تمام وقت. همچنین طبق قانون، اداره کار و سازمان تأمین اجتماعی موظف به پیگیری و اجرای این قانون‌اند.<sup>۳</sup> «اربابان» کوره‌ها در همدستی کامل با دولت سرمایه‌داری با ندادن حق بیمه و گرفتن اساسی‌ترین حق کارگران که بازنشستگی کارگران باشد سودی بیشتری به جیب می‌زنند. سودی که از شیر و جان کارگران و خشت‌های آنان مایه می‌گیرد. متأسفانه در این اوضاع کارگران بسیاری هستند که برای همیشه بی‌خیال بیمه شده‌اند.

نمونه دیگر از ستم دولت و کارفرمایان به این کارگران این است که آنان مشمول «قانون مشاغل سخت و زیانبار» نمی‌شوند. کار پای کوره‌های آجرپزی از لحاظ سختی کار به شدت سخت و طاقت‌فرساست. اما می‌بینیم که اربابان و دولت متبوعش سختی کار را لحاظ نمی‌کنند. اگر شرایطی دست بدهد که کارگران بیمه شوند باید بیش از ۳۰ سال در کوره‌ها سابقه داشته باشند و در واقعیت همچنین چیزی به سختی روی می‌دهد و بیشتر چیزی شبیه به سراب است. سراب بیمه و بازنشستگی. در نبود بازنشستگی برای این کارگران آنچه رقم می‌خورد این است: کارگران کوره‌های

<sup>۱</sup> در کوره‌ها به کارفرمایان و صاحبان کوره سنتاً ارباب گفته می‌شود.

<sup>۲</sup> کار کوره‌های آجرپزی از اوایل فصل بهار شروع می‌شود و معمولاً مهرماه تمام می‌شود. در فصل پاییز و زمستان کوره‌ها اکثراً تعطیل هستند و تعداد کمی با ظرفیت پایینی تولید می‌کنند.

<sup>۳</sup> در این خصوص بنگرید به: در مورد ماده‌ی ۳۶ قانون تأمین اجتماعی: حق بیمه

آجرپزی بازنشسته نمی‌شوند. آن‌ها زنده هستند که کار کنند و کار می‌کنند تا زنده بمانند. به همین دلیل کسی در کوره‌ها بازنشسته نمی‌شود بلکه با مُردن از کار کردن بازمی‌ایستد.

در کوره‌ها مزد عادلانه، شرایط کاری تا حدی انسانی، بهداشت، جای خواب و قانون برای کارگران آجرپز غریب است. در کوره‌های آجرپزی استثمار کارگران در هارترین شکل خود در جریان است و کارگانش نیز زحمت‌کش‌ترین از نوع خود هستند.

این وضعیت باعث شده که تقریباً هر ساله کارگران آجرپزی برای بخشی از مطالبات به حق خود اعتصاب کنند. مطالبات آن‌ها بیشتر حول مزد می‌چرخد. در تاریخ ۱۸ فروردین ماه امسال (۱۴۰۴) ۹۰ واحد از کوره‌های آجرپزی منطقه ساروقامیش بوکان و حومه اعتصاب کردند. کارگران کوره‌ها به دلیل پایین بودن مزدها و شرایط نابسامان شغلی دست از کار کشیدند و محل کار را تعطیل و ترک کردند.

بخش‌های مختلفی در کوره‌های آجرپزی مشغول به کارند. از قالب‌دار و خشت‌زن گرفته تا چرخ‌کش و کوره‌سوز و قرمزدار. این اعتصاب با محوریت چرخ‌دارها شکل گرفت. شیوه محاسبه مزد در کوره‌های آجرپزی بر اساس تُناژ (هزاره‌ای) است. یعنی بر اساس هر هزار خشت دستمزد کارگران محاسبه و پرداخت می‌شود. در سال گذشته هر هزار خشت برای چرخ‌کش‌ها ۱۸۰ هزار تومان بوده است. اما در سال جدید و با شروع کار، چرخ‌کش‌ها و دیگر کارگران به ازای هر هزار خشت ۲۲۵ هزار تومان را از «اربابان» مطالبه کردند. با مطالبه افزایش مزد و بی‌اعتنایی کارفرمایان، کارگران دست از کار کشیده و کوره‌ها را ترک کردند. **خواسته‌های دیگر کارگران لحاظ کردن هزینه ایاب و ذهاب و هم‌چنین رسیدگی به وضعیت بهداشتی محل کار از جمله خوابگاه‌ها و آب آشامیدنی سالم در محل کار بود.**

کارگران به مدت دو هفته در سکوت مطلق خبری به سر بردند. با گذشت چند روز ظاهراً اربابان و صاحبان کوره‌ها با مطالبات به حق کارگران موافقت کرده و در تاریخ ۲۶ فروردین خواستار بازگشت به کار کارگران شده‌اند. با شروع کار و خشت‌زنی در تسویه حساب مزد روزهای ۲۷ و ۲۸ ارباب به صورت یک‌جانبه و خودسر نرخ هر هزار خشت را ۲۱۵ هزار تومان حساب کردند. کارگران آجرپز ساروقامیش با دیدن زیر پا گذاشتن توافق قبلی دوباره دست از کار کشیدند. این بار برای آنچه خود تمام و کمال مطالبه می‌کنند نه نرخ و وضعیت پیشنهادی ارباب. کوره‌ها دوباره سوت‌وکور می‌شود و خبری از قالب‌گیری و خشت درست کردن نیست. اعتصاب دوباره که نسبت به تخلف و کارشکنی‌های ارباب و هم‌چنین پیگیری نهایی مطالباتشان صورت گرفته بود تا ۸ اردیبهشت‌ماه به طول انجامید. تا در نهایت کارگران آجرپز منطقه ظفرمندان به سرکار خود بازگشتند و مطالبات خود را سربلندانه وصول کردند.

## اداره کار وارد می‌شود!

در این میان اداره کار شهرستان حضور پیدا می‌کند. اما حضوری حقیرانه و رذیلانه. در میانه‌ی مذاکره بین نماینده کارگران و اربابان که مشغول چانه‌زنی بودند نماینده اداره کار می‌خواهد با نرخ پیشنهادی خود ماجرا را ختم به خیر

کند. این حضور به دو دلیل نامربوط و ریاکارانه است. یکی از آن جهت که نرخ پیشنهادی اداره کار با نرخ کارگران همخوانی ندارد و پیشنهادات و نرخ‌هایش باب میل اربابان بود و دیگری آن که اداره کار از حیث قانونی حق دخالت و تعیین تکلیف در مذاکرات تعیین دستمزد کارگران و کارفرما را در کارهای فصلی و قراردادهای دسته‌جمعی ندارد و فقط می‌تواند به عنوان ناظری بی‌طرف حضور داشته باشد<sup>۴</sup>. اما از آنجا ریاکارانه است که اداره کار دولت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران در فقر و فلاکتی که کارگران کوره‌خانه‌ها گرفتارند و سالیان متمادی را بدون هیچ بیمه و بازنشستگی و حقوق دیگر سپری می‌کنند صدایی ازشان درنیامده و هیچ بازرسی برای پیگیری کارهای بیمه معوقه‌شان نفرستاده. حالا به دایه مهربان‌تر از مادر تبدیل شده و برای نرخ پیشنهادی مطلوب ارباب حضور به هم رسانیده است. به راستی وقاحت در اداره کار در سطح دیگری در جریان است. کارگران کوره‌ها اما راه خود را رفته و به پیشنهادات طرفین توجهی نکرده و تا آخر پای مطالبه‌ی خود ایستادند. در آخر این حضور ریاکارانه نهادهای سرمایه‌داری همراه با شناختی از قدرت و جایگاه کارگران است. بدین معنی دولت سرمایه‌داری و اربابان به خوبی از اهمیت تولید روزانه آجر برای صنعت پیشران ساختمان‌سازی آگاه‌اند. اگر کوره‌ها به عنوان یکی از پایه‌های این صنعت بخوابد و تولیدی انجام ندهد چرخه‌ی یکی از صنایع بزرگ اقتصاد دچار اختلال می‌گردد. اداره کار و عوامل دیگر این مهم را می‌دانند و در سعی و تلاش‌اند که جلوی هم‌چین اتفاقی را بگیرند. دشمنان طبقه کارگر از جایگاه و توانایی آنان باخبرند، پس لازم است که کارگران از توانایی و استعداد خود آگاهی پیدا کنند.

### اعتصاب یا ترک کار: کارگران تعطیل می‌کنند

در کوره‌های آجرپزی فرایند تولید خشت به صورت دسته‌جمعی که اکثراً از خانواده‌ها تشکیل شده است صورت می‌گیرد. معمولاً در هر کوره (دستی یا ماشینی) تعدادی خانواده مشغول به کارند. هر خانوار به صورت کُنترات در یک کوره کوچک کار می‌کند یا به صورت گروهی هر کدام قسمتی از کوره را بر عهده می‌گیرند. کارگرانی که به صورت فردی در کوره‌ها کار می‌کنند تعداد نسبتاً کمتری دارند و بیشتر مشغول چرخ‌کشی‌اند. به این ترتیب در فضای کوره‌ها بیشتر با خانوارهایی که در کنار هم کار می‌کنند طرفیم. کارگران به مزد به شدت پایین اعتراض داشتند و در نهایت برای کسب مزدی حداقلی اعتصاب کردند. اما تفاوتی در این نوع اعتصابات کوره‌های آجرپزی وجود دارد. کارگران برای محقق ساختن مطالباتشان در کوره‌ها قبل از شروع کار کوره‌ها، تصمیم می‌گیرند که به خانه‌هایشان برگردند و کار را تعطیل

---

<sup>۴</sup>. در فصل هفتم ماده‌ی ۱۳۹ قانون کار تبصره دوم به صراحت بیان شده است در صورتی که طرفین مذاکرات دسته‌جمعی موافق باشند می‌توانند از وزارت کار و امور اجتماعی تقاضا کنند شخص بی‌طرفی را که در زمینه مسائل کار تبحر داشته باشد و بتواند در مذاکرات هماهنگی ایجاد کند، به عنوان کارشناس پیمان‌های دسته‌جمعی به آن‌ها معرفی نماید. نقش این کارشناس کمک به هر دو طرف در پیش برد مذاکرات دسته‌جمعی است.

می‌کنند. اتحاد در سطحی گسترده و یکپارچه است که حتی یک بخش از کوره‌ها کار نمی‌کند هیچ، بلکه در نبود آن‌ها قفل بزرگی بر سر در کوره‌ها نقش بسته است. در اینجا اعتصاب به شکلی رایج که در کارگاه‌ها و کارخانه‌های دیگر شاهدش هستیم وجود ندارد. در جاهای دیگر معمولاً کارگران در ساعاتی مشخص دست از کار می‌کشند و در تجمعی خواسته‌هایشان را رو به سرمایه‌داران مطالبه می‌کنند. در کارگاه‌های آجرپزی سنتاً محل کار را ترک و در نهایت با رفتن‌شان کار را تعطیل می‌کنند. حال به چند دلیل تعطیلی و ترک کار در کوره‌ها به خودی خود اشتباه نیست. اول این که کوره‌ها به دلیل فاصله‌ی مکانی با مرکز شهر (تقریباً یک‌ساعته) و دوم فاصله‌ی نسبتاً زیاد کوره‌ها از هم و سوم تعداد فراوان کوره‌ها و چهارم تعداد کم کارگران در هر کوره اجازه‌ی تحصن طولانی‌مدت در محیط کار و در کنار هم را نمی‌دهد. یعنی مانند دیگر کارگران در محیط‌های صنعتی امکان بست‌نشینی و تجمع به منظور کسب مطالبات را ندارند.

در اینجا باید چند نکته‌ی مهم را با کارگران کوره‌پزخانه در مسیر مبارزه و کسب مطالباتشان در میان گذاشت. با توجه به اعتصابی که در فروردین ماه رقم خورد مشخص گردید که کارگران برای افزایش مزد اعتصاب کردند و در نهایت دیدیم که به خواسته‌ی خود رسیدند. آن چه که پیداست مشکلات و مطالبات کارگران کوره‌های آجرپزی تنها به مزد محدود نمی‌شود. بلکه مطالبات گسترده‌ای از قبیل بیمه، سختی کار و شرایط زندگی در کوره‌ها از قبیل خوابگاه‌ها و وضعیت بهداشتی کل محیط کار را شامل می‌شود. ولی با توجه به شکل اعتصاب که در اینجا ترک کار است امکان مطرح کردن و پیگیری مطالبات بیشتر را نمی‌دهد. برای مثال وقتی که فضای گفت‌گوی جمعی کارگری و کار جمعی وجود داشته باشد کارگران می‌توانند برای این مشکلات و مطالبات هم‌فکری و چاره‌اندیشی کنند. در ترک کار با سپری کردن وقت خود در خانه و مجزا از همدیگر، حقیقتاً امکان فراروی بیشتری به کارگران نمی‌دهد.

با درک این مسئله کارگران باید کماکان هوشیار باشند که این نوع ترک کار آنان انتهای مبارزه و دستاوردهای آنان نیست. بلکه بایستی در گام‌های بعدی حداقل در اوایل ترک کارشان گردهمایی اعتراضی در کوره‌ها و یا اداره کار شهرستان با تمامی کارگران و خانواده‌هایشان رقم زنند. برای کارگران واضح است که سال بعد مشکلات و مسائل کاری همیشگی گریبان‌گیر آنان است. با تجمع حداکثری کارگران در مکانی (در کوره‌ها یا اداره کار) و در کنار هم بودن آنان می‌توان پلی برای مطالباتی دیگر همچون بیمه و بازنشستگی شود. در این شرایط سراب‌های گذشته را که دست‌یافتنی نبودند می‌توان به واقعیت تبدیل کرد. **چراکه در نهایت قدرت جمعی کارگران است که می‌تواند اربابان و دولت را مجبور به پذیرش خواسته‌های کارگران کند.**

فرستادن صرف نماینده کارگری برای پیگیری مطالبات و مذاکره با ارباب و عواملش و در خانه ماندن مابقی کارگران می‌تواند آفتی برای مسیر مبارزاتی به حق کارگران کوره‌پزخانه‌ها باشد. ضعف این شیوه از اعتراضات را می‌توان بدین گونه خلاصه کرد: نماینده کارگری می‌تواند تهدید به اخراج و حذف گردد و در این صورت اعتصابات و مبارزات کارگران را با مشکل مواجهه کند، نماینده کارگری در نبود تشکل مستقل کارگری می‌تواند جایگاهی ناجی‌وار به خود گیرد.

راهی که کارگران کوره‌خانه طی کرده‌اند راهی پُر مشقت است. اما تا رسیدن به وضعی مطلوب‌تر و انسانی‌تر باید پا را فراتر از این هم بگذارند. پیشنهاد به گردهمایی و شکل دادن فضای گفتگوی جمعی میان کارگران نطفه‌ی تشکلیابی کارگران را در خود دارد. در نهایت کارگران با شکل دادن تشکل خود قدرت بیشتری در مقابل سرمایه‌داران و دولت دارند. کارگرانی با این تعداد انبوه طبق قانون کار می‌توانند انجمن صنفی خود را داشته باشند. گرچه مبارزات کارگران نباید محدود به پاره‌ای از قوانین باشد و باید از آن فراتر رود اما برای گام‌های ابتدایی می‌توان با اتکا به قدرت جمعی خود و ارجاع به قانون کار تشکلی حداقلی را بر دولت و کارفرما تحمیل کنند.